

سمینار سه روزه در هامبورگ ۲۶ تا ۲۸ مارس در شهر هامبورگ

سه‌شنبه ۳ فروردین ۱۳۸۹ - ۲۳ مارس ۲۰۱۰

موضوع:

ضرورت همگامی کانون‌های شهری در پشتیبانی از مبارزات مردم ایران
و «نه به جمهوری اسلامی» در اروپا و ...

چه راه‌ها و یا راه‌حلهایی در خارج از کشور وجود دارد؟

محل سمینار در هامبورگ

DJH

Jugendherberge Hamburg

"Horner Rennbahn"

Rennbahnstraße 100

Hamburg 22111

هزینه:

(امکان خواب در اتاق‌های ۲ تا ۶ نفره برای جمعه شب و شنبه شب،
استفاده از سالن، صبحانه، نهار و شام): ۷۰ یورو

نحوه پرداخت هزینه برای شرکت‌کنندگان ساکن آلمان:

نام دارنده حساب بانکی: Nosrat Taymoorzadeh شماره حساب: Konto
Nr. 1330 458389

کد بانکی 20050550 Blz: نام بانک: Hamburger Sparkasse

نحوه پرداخت هزینه برای شرکت‌کنندگان از کشورهای دیگر:

نام دارنده حساب بانکی: Nosrat Taymoorzadeh شماره حساب: IBAN :
DE51 2005 0550 1330 4583 89

کد بانکی: HASPDEHH XXX BIC نام بانک: Hamburger Sparkasse

برای رزرو کردن محل خواب

«نصرت: ۰۰۴۹۱۷۱۸۳۵۲۵۸۳»

nosrat_taymo@yahoo.de

شرکت در این نشست برای همگان آزاد است

برای اطلاع بیشتر، شرکت فعال در این همگامی میان مجامع دمکراتیک شهری و یا تماس با ما:

(آلمان): «حسین نقی پور: ۰۰۴۹۱۷۶۸۱۰۷۰۴۴۳»، «اصغر اسلامی: ۰۰۴۹۱۷۶۲۲۰۸۴۷۳۲»، «نصرت: ۰۰۴۹۱۷۱۸۳۵۲۵۸۳»

(هلند): «احمد پوری: ۰۰۳۱۷۰۳۰۵۰۴۱۵» تلفن دستی: ۰۰۳۱۶۴۲۴۸۹۸۶۸ (سویس - زریخ: خسرو: ۰۰۴۱۷۸۹۱۰۹۷۸۹)

همگامی کانون‌ها، نهادها و مجامع ایرانی در "همبستگی و دفاع از مبارزات مردم ایران و نه به جمهوری اسلامی- در اروپا:

info@hamgami.org

برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در هانوفر

چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۷ مارس ۲۰۱۰

ندا حقیقت

طبق سنت هر ساله، مراسم چهارشنبه سوری با شرکت بسیاری از ایرانیان مقیم هانوفر در زمینی در نزدیکی کارگاه این شهر برگزار شد.

مراسم چهارشنبه سوری مدت ۲۵ سال است که در هانوفر با همان شکلی که در ایران انجام می گیرد، برگزار می شود. بسیاری از حاضران در این جشن گفتند که امسال این جشن از استقبال

بیشتری برخوردار است زیرا خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی اعلام کرده که این مراسم شرعی نیست و باید از برگزاری آن اجتناب شود. در ایران نیز همزمان این جشن با تدابیر شدید امنیتی برگزار شده و در برخی نقاط نیز درگیری هایی با نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بوجود آمده است.

بسیاری از هم میهنان روز گذشته در خیابانهای ایران به جشن و پایکوبی پرداختند اما این مراسم سنتی، امسال رنگ و بوی سیاسی داشت و شعارهایی علیه رژیم مزدور جمهوری اسلامی داده شد. نیروی انتظامی اعلام کرده که نزدیک به 50 نفر در چهارشنبه سوری امسال به دست پلیس بازداشت شده اند.

چهارشنبه سوری نام جشنی است که تغییر یافته مراسم باستانی پنج روز آخر سال به نام پنج روز پنجه است. این جشن برگرفته از آیین زرتشتی است که ایرانیان از ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد تاکنون در پنج روز آخر هر سال، آن را با برافروختن آتش و جشن و شادی در کنار آن برگزار می کنند.

در گاه شمار زرتشتیان یک سال شامل ۳۶۵ روز یا ۱۲ ماه است که هر کدام دقیقاً ۳۰ روز بوده و ۵ روز انتهایی سال جدا از ماه ها به حساب می آمده و «پنجه» نامیده می شود که البته در هر ۴ سال یک بار ۶ روز می شود. در این گاه شمار روزی به عنوان چهارشنبه و به طور کلی ۷ روز هفته وجود ندارد بلکه ۳۰ روز ماه و ۵ روز انتهای سال هر کدام با نام خاصی نام گذاری می شود.

ایرانیان قبل حمله تازیان این ۵ روز آخر سال را با روش کردن آتش جشن می گرفتند و بر این اعتقاد بودند که در این ۵ روز ارواح درگذشتگان به زمین سفر می کنند و با همراه خانواده هایشان و برای آنها برکت، دوستی و پاکی در سال آینده طلب خواهند کرد ولی بعد از حمله تازیان به دلیل مخالفت های آن روزگار در برپایی این مراسم ایرانیان روز چهارشنبه را که نزد اعراب نحس بوده را انتخاب کردند و آتش افروزی در این روز را با نحسی آن روز توجیه کردند.

واژه «چهارشنبه سوری» از دو واژه چهارشنبه که نام یکی از روزهای هفته است و سوری که به معنی سرخ است ساخته شده است. آتش بزرگی تا صبح زود و برآمدن خورشید روشن نگه داشته می شود که این آتش معمولاً در بعد از ظهر زمانی که مردم آتش روشن می کنند و از آن می پرند آغاز می شود و در زمان پریدن می خوانند: «زردی من از تو، سرخی تو از من» در واقع این جمله نشانگر یک تطهیر و پاک سازی مذهبی است که واژه «سوری» به معنی «سرخ» به آن اشاره دارد.

البته مراسمی که امروزه برپا می شود به طوری کلی متفاوت با روزگاران قدیم است چون از نظر زرتشتیان آتش نماد مقدسی است و

پريدن از روى آن به نوعى بى‌احترامى به آن نماد تلقى مى‌شود. جشن آتش در واقع پيش درآمد جشن نوروز است كه نويد دهنده رسيدن بهار و تازه شدن طبيعت است.

نگاهی به سمینار پیرامون چشمنداز جنبش سبز، و دیدگاه ما :

م. نکوکار

جمعه ۲۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۹ مارس ۲۰۱۰

روز یکشنبه چهاردهم مارس گذشته سمینارى تحت عنوان " سمینار پیرامون چشمنداز جنبش سبز، و دیدگاه ما " با شرکت شش حزب سیاسى مطرح*، کمیته ندا و چند دانشجوی فعال سیاسى به ابتکار کمیته هماهنگی احزاب و سازمانها و تشکلهای ایرانى در هلند در شهر دلفت هلند برگزار شد.

در این سمینار علاوه بر بررسى دیدگاه گروههای شرکت کننده در مورد جنبش سبز مباحثى جدی نیز در مورد ضرورت اتحاد احزاب و گروههای سیاسى و دیدگاه شرکت کنندگان در این مورد مطرح شد کاه از نظر من اهمیت آن کمتر از بحث اصلی سمینار نبود به همین دلیل برای اطلاع رسانی و در ضمن بیان نظراتم در مورد این سمینار لازم دیدم نکات زیر را به نظر آنانیکه علیرغم علاقه امکان شرکت در این سمینار را نداشتند برسانم.

در حله اول از نظر من این گردهمایی قدمی بسیار مثبت و سازنده در راه ایجاد اتحادی فراگیر در میان احزاب و گروههای مختلف در روند یک گفتمان علنی که نه تنها در سطح رهبری احزاب و جریانها بلکه با مشارکت و حضور گروهها و افرادی که احتمالاً از نظر عملی تماسی مستقیم تر با واقعیت‌های جنبش مردمی در عرصه عمل و حرکت‌های اعتراضی دارند و احتیاجات و خواسته‌های جنبش را به خوبی لمس

میکنند و جنبه‌های تئوریک و نظری اتحاد و همبستگی را در عرصه عمل نیز تجربه کرده اند. از طرف دیگر مشاهده اینکه نمایندگان احزاب و گروه‌های مختلف با دیدگاه‌هایی بعضاً کاملاً متفاوت این آمادگی را داشتند که و نشان دادند که بخواهند در جمعی چنین در معرض قضاوت افکار نگران علاقمندان به پیروزی مبارزات مردم بر خلاف روال تا چندی پیش رایج، تکیه و تاکید خود را نه بر وجوه اختلاف بلکه بر مواردی که میتوانند پایه‌های یک اتحاد اصولی برای وحدت عمل در راه رسیدن به هدف مشترک و مبارزه با دشمن مشترک متمرکز کنند، توانبخش دل‌های نگران و شاید نومید بود.

نکته قابل توجه در این سمینار حضور دو حزب عمده کردستان یعنی حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کومله کردستان ایران در کنار احزاب و جریان‌های سراسری بود. اعلام صریح مواضع سنجیده و متین این جریانات، همگام با سایر گروه‌ها و در خارج از ارگانها، نشریات و اطلاعیه‌ها به شکلی شفاف، قوت قلبی بود برای کسانی که نگران برخورد این احزاب با جنبش سراسری بودند.

حضور فعال و پویانده جوانان در این سمینار نیز از مواردی بود که باید به آن اشاره کرد. آنها با دیدگاه‌های روشن و صریح خود نشان دادند این نسل در آنچه میدانند و میخواهد با نسل‌های پیشین قابل مقایسه نیست و آگاهی آنها در مورد روند پیشرفت جنبش و الزامات آن در حد امیدوار کننده‌ای بالاست.

گذشته از همه نکات مثبت، این سمینار از نظر من چند نقطه ضعف نیز داشت که اشاره با آنها را ضروری میدانم. یکی از این نقاط ضعف محدودیت شدید زمانی بود برای سخن گفتن از مشکلی که دهها سال است که جنبش‌های مردمی ایران از آن رنج میبرد، به نظر من حتی برای برداشتن ابتدایی‌ترین قدم‌هایی در راه این هدف والا زمانی بسیار بیشتر از آنچه که در نظر گرفته شده بود لازم دارد. به دلیل همین کمبود زمان بود که تلاش صمیمانه اداره کنندگان سمینار برای گرفتن یک نتیجه عملی آن نتیجه‌ای را که انتظار میرفت نداد. در ضمن کاملاً مشهود بود که تعدادی از شرکت کنندگان امکان طرح پرسش‌هایشان را نیافتند.

نکته دیگری که مجال مطرح شدن نیافت برنامه و تدابیر احزاب کردستان بود برای هماهنگی جنبش مردمی کردستان با جنبش مردمی سراسری. هرچند که دلایل سکوت و سکون نسبی کردستان در ماه‌های گذشته با وجود اینکه کردستان ایران به حق در سی سال گذشته همیشه

پرچمدار مبارزه علیه دیکتاتوری بوده است، خود جای بررسی مفصل دارد. ولی به نظر من طرح وجود این مشکل حد اقل چیزی بود که باید از آن سخن میرفت.

جالب توجه در این سمینار عدم حضور نمایندگانی از آذری‌های ایران بود که معتقدم چنانکه علت این امر عدم علاقه گروه‌ها و احزاب ملی اذربایجان به این سمینار باشد، تاملی دقیق و بررسی جدی از جانب شرکت کنندگان در این سمینار را ضروری می‌سازد. چنانکه این عدم حضور به دلیل دعوت نشدن از آنها بود جای آن دارد که برگزار کنندگان در آینده به این نکته دقت بیشتری بکنند.

در پایان نوشتار می‌خواهم اضافه کنم که حرکت روز یکشنبه چهاردهم مارس^۱ ریشه‌ای بود که بر اندام جمهوری اسلامی افتاد که ادامه آن قطعاً در هم شکستن ستون فقرات این رژیم ضد انسانی را تسریع خواهد کرد.

باشد که این حرکت طلّیعه روزی نو در جنبش مردمی ایران در آستانه نوروز باشد.

م. نکوکار

*این احزاب و گروه‌ها عبارت بودند از: سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان فدائیان خلق ایران-اکثریت، جبهه ملی ایران، حزب توده ایران و حزب کومله کردستان ایران

اپوزیسیون در پیام نوروزی موسوی

منبع: دویچه وله

جمعه ۲۸ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۹ مارس ۲۰۱۰

پیام نوروزی میرحسین موسوی، واجد درنگی ویژه بر ایرانیان خارج کشور و پیوستگی و مشارکت آنها در سرنوشت ایران بود. برداشت

اپوزیسیون و روشنفکران خارج از کشور از این پیام چیست و زمینه‌های همکاری کدامند؟ گفتگو با سه چهره.

میرحسین موسوی در پیام خود، سال نو را به ایرانیان خارج از کشور تبریک گفته و پیوسته بودن ملت با یکدیگر را از برکات جنبش سبز دانسته است. او مشارکت و تلاش خارج از کشوری‌ها برای آینده بهتر ایران را ارج نهاده و نقش نسل سوم و چهارم ایرانیان خارج از کشور را برجسته کرده است.

دکتر مهرداد درویش‌پور، جامعه شناس و فعال سیاسی مقیم سوئد از جمله کسانی است که این پیام را سازنده و امیدوارکننده می‌خواند. وی می‌گوید: «پس از ۲۲ بهمن نوعی شکاف در داخل و خارج ایجاد شد که خطر متهم کردن یکدیگر به محافظه‌کاری یا رادیکالیسم را در بر داشت. این پیام در چنین شرایطی بسیار مثبت است.» درویش‌پور نقش ایرانیان خارج از کشور در اعتلای جنبش سبز را انکارنشده می‌داند و عقیده دارد که همبستگی واقعی بین آنها و هموطنان داخل کشور با پذیرش رنگارنگی نظرها و رسمیت و احترام به عقاید گوناگون حاصل می‌شود.

دکتر حسین باقرزاده دکتر حسین باقرزاده، فعال و تحلیلگر سیاسی مقیم بریتانیا نیز این پیام را دلگرم‌کننده توصیف می‌کند و وقوف مهندس موسوی به اهمیت و وزن ایرانیان خارج از کشور در حمایت از جنبش را ارج می‌نهد. وی پیام دیگری را نیز در پیام نوروزی موسوی می‌جوید: «آقای موسوی به‌خوبی می‌داند که ایرانیان خارج از کشور عمدتاً سکولار هستند و نظام و جامعه‌ای بر همین مبنا را می‌طلبند. جنبش سبز هم که بر اساس آزادی انتخاب و آزادی رای و هویت فردی شکل گرفته، ماهیتی سکولار دارد. به این قرار، تاکید ایشان بر همبستگی بین داخل و خارج نشانه خوبی است.»

ملیحه محمدی، فعال سیاسی مقیم آلمان، این پیام را جدی و مهم تلقی کرده و آن را حاصل تلاش جوانان نسل سوم و چهارم می‌داند. او می‌گوید: «من جنبش سبز را در حال تامل و تعمق می‌بینم و به نظرم می‌رسد که تمام این علایم و اشاره‌ها در همین چارچوب هستند. این ویژگی جنبش سبز، کمک می‌کند که در آینده امکان همکاری‌های بیشتر، موثرتر و کم‌هزینه‌تر بین داخل و خارج ایران فراهم شود.»

اولویت‌ها و مرزبندی‌ها

یکی از دستاوردهای جنبش سبز، اتحاد و تشکل دوباره ایرانیان خارج از کشور است. آنها به‌رغم گرایشهای فکری گوناگون، از هیچ تلاشی برای حمایت از جنبش سبز فروگذار نکرده‌اند. فراگیرشدن حمایت‌ها اما به این معنا نبوده که آنها خود را جزیی نامستقل، فاقد برنامه و دنباله روی مطالبات گروه خاصی بدانند.

مهرداد درویش‌پور در حاشیه پیام نوروزی موسوی و توجه خاص او به ایرانیان خارج کشور می‌گوید: «البته این انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست که خارج از کشوری‌ها به عنوان همبستگی، هیچ شعار مستقلی ندهند. دفاع از پیوستگی میان خارج و داخل باید همراه با به رسمیت شناختن پلورالیسم و مخالفت با تام‌گرایی باشد. باید از صداهای مستقل هم یاد کرد، به آنها احترام گذاشت و آنها را شنید.»

درویش‌پور عقیده دارد که اولی‌ترین نقش ایرانیان خارج از کشور در حمایت از جنبش سبز، جهانی‌تر کردن جنبش و استفاده هوشمندانه از فضای آزاد جوامع غربی است. او نقش تاکنونی این نیرو در بین‌المللی‌کردن جنبش را می‌ستاید و می‌گوید احتمالاً همین واقعیت موجب شده که آقای موسوی رویکرد غیردوستانه پیشین نسبت به خارج کشوری‌ها را کنار بگذارد.

حسین باقرزاده می‌گوید که اصلی‌ترین وظیفه ایرانیان خارج از کشور، استفاده از فضای رسانه‌ای مناسب است. وی از خطرات و هزینه‌های فعالیت مدنی و سیاسی در داخل کشور می‌گوید و رسا کردن صدای آنان در کشورهای غربی توسط اپوزیسیون را یک وظیفه اخلاقی و مبرم می‌داند.

ملیحه محمدی نقشی تعریف شده و منصفانه برای اپوزیسیون در لحظه کنونی می‌طلبد. او می‌گوید: «خطر دور بودن و ندیدن پدیده از نزدیک این است که خارج کشوری‌ها، برخی مسائل را اشتباهی برجسته یا کمرنگ کنند. ما شاهدیم که برخی در خارج، راضی نیستند که تنها صدای مردم ایران باشند و بیشتر، بازگشت به هویت سازمانی و آرمان‌های فکری خود را می‌خواهند.» ملیحه محمدی در ادامه توضیحات خود نتیجه می‌گیرد که منصفانه‌ترین موضع برای خارج از کشوری‌ها، موضع پشت جبهه است.

مهیندخت مصباح

تحریریه: وحید فریدی

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران به مناسبت نوروز ۱۳۸۹

مد بهار گرمیزا، سر زد از زمستانم!
چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۷ مارس ۲۰۱۰



بهار است! زمینِ فرومرده به دمِ سردِ زمستان بار دیگر از نفسِ گرمِ بهار باغ و راغ را چراغان کرده است. بردمیدن سبزه، عطر گل و نسرين، و شمیم شکوفه‌های رنگ در رنگ، نوید کوچِ زمستان و بازآمدنِ جان به رگ‌های فِسرده‌ی زندگی می‌دهد. رفتنِ سیاهی و کهنگی، و آمدنِ روشنایی و نوشکفتگی، حکمِ طبیعت و خواستِ بی‌چون‌وچرای آدمی است.

در سال کهنه، اگرچه در پی اعلام نتایج انتخابات خردادماه و سرریز انبوه مردم معترض به خیابان‌ها موج سرکوب و شکنجه و زندان ابعادی باورنکردنی به خود گرفت، زندان‌ها و سیاه‌چال‌ها و بیغوله‌های بی‌نام‌ونشان انباشته از جوانانی شد که خواستی جز آزادی و پاسِ کرامت انسانی نداشتند، مادران سوگوار را به زنجیر کشیدند، سانسور کتاب، رسانه‌ها و ضرب‌وشتم و بازداشت روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و اجتماعی رفتاری روزمره شد، احکام اعدام را پشت سر هم و با شتاب به اجرا گذاشتند، به هر وسیله‌ی ممکن متوسل شدند تا جریان آزاد اطلاعات و اخبار را مختل و متوقف کنند... و باز اگرچه هزاران زندانی آزاردیده دور از خانه و خانواده‌ی خود در ضدانسانی‌ترین شرایط به سر می‌برند، و در پایان سال شمار بیشتری از خانواده‌ها تحویلِ سال را در پای دیوارهای زندان سر خواهند کرد، اما... سالی که گذشت، سال شکفتنِ امید نیز بود؛ سال خودآگاهی مردمی که از تبعیض و نابرابری، مردم‌ستیزی و آزادی‌کُشی به جان آمدند و در طلب آزادی و

برابری جانانه بر حق خود پای فشردند.

بهار است! امید است که در کشاکش نیروهای تاریکی و سردی با میل سرکش به زندگی و جوشش و روشنی، «زمستان نارضایی ما در پرتو پیکار آزادگان» بهاری باشکوه گردد».

نوروز بر تمامی مردم خجسته باد!

کانون نویسندگان ایران

۲۶ اسفند ۱۳۸۸

گزارش های ویدیویی از چهارشنبه سوری در ایران

چهارشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ - ۱۷ مارس ۲۰۱۰

[حمله گارد به مردم](#)

[چهارشنبه سوری کرج](#)

[تهران میدان صادقیه](#)

[چهارشنبه سوری، آتش زدن عکس خامنه ای](#)

[چهارشنبه سوری در رشت](#)

[چهارشنبه سوری در تبریز](#)